

عوامل حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر

The Marriage Protective Factors in Married People With Risk Factors

Sh. Khaledi, M.A.

F. Mootabi, Ph.D.

T. Pourebrahim, Ph.D.

F. Bagheryan, Ph.D.

شیدا خالدی ✉

کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فرشته موتابی

استادیار، روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر تقی پورابراهیم

استادیار، مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

دکتر فاطمه باقریان

استادیار، روان‌شناسی اجتماعی، دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۹/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۲/۱۱/۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۱۱/۲۵

Abstract

This study was conducted to investigate the marriage protective factors in married people with risk factors.

The method of this study is qualitative. In this study the researcher-made risk factor check list and Enrich Marital Satisfaction Questionnaire (115-item test) were used. to select the sample group, Risk Factor Check List and Enrich marital satisfaction questionnaire were distributed among 100

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل حفاظت‌کننده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر انجام شده است. روش پژوهش کیفی است. در این پژوهش از چک‌لیست محقق ساخته عوامل خطر و پرسش‌نامه ۱۱۵ سؤالی رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است. جهت انتخاب گروه نمونه چک‌لیست عوامل خطر و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در بین ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن متأهل که حداقل ۳ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته بود توزیع شد.

✉Corresponding author: Tehran, Shahid Beheshti University, Evin, Family Research Centre.
Tel: +9809183315713
Email: sheyda.khaledi@gmail.com

✉نویسنده مسئول: اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده
تلفن: ۰۹۱۸۳۳۱۵۷۱۳

پست الکترونیکی: sheyda.khaledi@gmail.com

men and 100 women who had been married for at least 3 years. Among these 200 individuals, 22 people with high risk factors and marital satisfaction were screened. Data reached saturation through interviewing 18 people. Protective factors based on their frequencies include: relationship, personality traits, skills, adjustment, outside factors, religion, and beliefs. Each of these protective factors includes several primary components. Some of the components such as respect, desirable sexual relation and commitment have important role in protecting marriage. In addition, some other factors, such as contentment, not being jealous of other people's lives, accepting the current life situation, were mentioned that seem to be specific to Iranian culture. There was no significant difference between men and women choosing protective factors. There was however a significant difference between men and women in some of the mentioned components.

Keywords: Protective Factors, Marriage, Risk Factors, Marital Satisfaction.

از بین این ۲۰۰ نفر ۲۲ نفر که عوامل خطر و رضایت زناشویی بالا داشتند انتخاب شدند. ضمن مصاحبه با ۱۸ نفر داده‌ها به اشباع رسید. عوامل عمده حفاظت‌کننده بر اساس فراوانی شامل ارتباط، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌ها، سازگاری، عوامل بیرونی، مذهب و باورها می‌باشند. هر یک از این عوامل حفاظت‌کننده شامل چند مؤلفه اولیه هستند. تعدادی از مؤلفه‌ها مانند احترام، رابطه جنسی مطلوب و تعهد نقش مهمی در حفظ و نگهداری زندگی مشترک داشتند. علاوه بر این به عوامل حفاظت‌کننده‌ای مانند قناعت، عدم چشم و هم‌چشمی و پذیرش زندگی اشاره شد که به نظر می‌رسد خاص فرهنگ ایرانی است. بین زنان و مردان در انتخاب عوامل عمده حفاظت‌کننده تفاوت معناداری مشاهده نشد اما در برخی از مؤلفه‌های بیان شده مانند امیدواری، همدلی، همکاری با هم در کارهای خانه، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل و تماس جسمانی در بین زنان و مردان تفاوت معناداری مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: عوامل حفاظت‌کننده، ازدواج، عوامل خطر، رضایت زناشویی.

مقدمه

روابط همراه با رضایت زوجها یکی از مهم‌ترین عوامل استحکام^۱ خانواده است. رضایت زناشویی احساسات عینی خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده‌ای است که وقتی زن و شوهر تمام جنبه‌های زندگی مشترکشان را در نظر بگیرند، تجربه می‌کنند (الیس، ۱۹۸۰). رضایت زناشویی یکی از گسترده‌ترین مفاهیم برای نشان دادن و تعیین میزان پایداری رابطه زوجها در زندگی مشترک است (ویگل، بالرد و دبرا، ۱۹۹۹). اهمیت رضایت زناشویی در تأثیر آن بر میزان سلامت روانی و جسمانی

زوج‌ها پدیدار می‌شود، از طرف دیگر رضایت زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی تأثیر دارد (جدیری، جان‌بزرگی و رسول‌زاده طباطبایی، ۱۳۸۸). پس چگونگی پیوند زوج‌ها نقش مهمی در افزایش سلامت عمومی و حس امنیت آن‌ها ایفا می‌کند (فینی، ۲۰۰۴). به نظر می‌رسد چیزی که از خود ازدواج مهم‌تر باشد رضایت زوج‌ها از زندگی مشترک‌شان است (جدیری و همکاران، ۱۳۸۸). هالفورد (۲۰۰۴) اظهار کرده است که تقریباً همه زوج‌ها رابطه زناشویی خود را با رضایت بالا در رابطه شروع می‌کنند. اما فقط تعداد کمی از زوج‌ها برای مدت زمان طولانی رضایت در رابطه زناشویی را نگه می‌دارند. عوامل متعددی وجود دارند که منجر به نارضایتی زناشویی می‌شوند و از آن جایی که رابطه زناشویی را تهدید می‌کنند می‌توان از آن‌ها به عنوان عوامل خطر^۲ در رابطه یاد کرد. مک‌کی (۲۰۰۳) معتقد است عوامل خطر عواملی هستند که پیامدهای منفی در رابطه را افزایش می‌دهند. عواملی چون سن، قومیت، وضعیت اقتصادی، سبک تعامل زوج‌ها با هم (هالفورد، ۲۰۰۴)، عدم احترام به دیگری، عذرخواهی نکردن، انعطاف‌ناپذیری، عدم گرایش به سازگاری (دیکسن، ۱۹۹۵) و دخالت خویشاوندان نزدیک (ولکت و هیوز، ۱۹۹۹) عوامل خطری هستند که رضایت زناشویی زوج‌ها را تهدید می‌کنند.

تأثیرگذاری این عوامل خطر روی روابط زناشویی زوج‌ها متفاوت است. با توجه به تفاوت تأثیرگذاری عوامل خطر میزان رضایت زناشویی هم متفاوت است. تأثیر بعضی از این عوامل بر زندگی بعضی از زوج‌ها باعث ایجاد مشکل و اختلاف شده و زندگی مشترک‌شان سرانجام به جدایی می‌انجامد؛ در حالی که عده‌ای دیگر با داشتن همان عوامل خطر رضایت زناشویی بالایی دارند و به زندگی مشترک‌شان ادامه می‌دهند. به نظر می‌رسد عده‌ای از زوج‌ها با به‌کارگیری یکسری عوامل که می‌توان آن‌ها را عوامل نگهدارنده یا محافظت‌کننده در زندگی مشترک نامید، مانع از تأثیرگذاری زیاد این عوامل خطر می‌شوند. عوامل محافظت‌کننده عواملی هستند که با عوامل خطر مقابله می‌کنند تا احتمال وقوع پیامدهای منفی را در رابطه زناشویی کاهش دهند (مک‌کی، ۲۰۰۳). در پژوهش‌های پیشین به عوامل حفاظت‌کننده‌ای مانند عشق، ارتباط، درک کردن، مذهب، صبر، تعهد، امیدواری، انعطاف‌پذیری (رزن‌گراندن، مایرز و هتی، ۲۰۰۴)، احترام، صمیمیت، بخشش (رنیک، بلوم برک و مارکمن، ۱۹۹۲)، قدردانی و محبت، داشتن اوقات لذت‌بخش با همدیگر (جان و سلویا، ۲۰۰۷) اشاره شده است. این عوامل باعث کاهش تأثیرگذاری عوامل خطر و افزایش رضایت زناشویی و استحکام زندگی مشترک می‌شوند. پژوهش حاضر با هدف مشخص کردن عوامل محافظت‌کننده زندگی مشترک در زوج‌های ایرانی طراحی شده است. حال سؤال این است که عوامل نگهدارنده ازدواج در افراد متأهل دارای عوامل خطر چه عواملی هستند؟ و آیا زنان و مردان در انتخاب عوامل نگهدارنده ازدواج متفاوت هستند؟

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه افراد متأهل ساکن شهر تهران بوده که حداقل ۳ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به صورت نمونه‌گیری هدفمند است. به منظور انتخاب گروه نمونه ابتدا چک‌لیست عوامل خطر و پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در بین ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ زن متأهل که حداقل ۳ سال از زندگی مشترک آن‌ها گذشته بود و ساکن تهران بودند (که با مراجعه به مجتمع‌های مسکونی، اداری، آرایشگاه‌ها، مراکز خرید، مراکز تفریحی و پارک‌ها، اماکن ورزشی و غیره انتخاب شدند)، توزیع شد. سپس ضمن معرفی اولیه و ایجاد فضای صمیمی تمایل آن‌ها برای شرکت در پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. در صورت تمایل با دادن اطمینان و جلب اعتماد افراد شرکت‌کننده در این پژوهش، از آن‌ها خواسته شد که شماره تماس، ای‌میل، آدرس محل کار و یا محل سکونت خود را جهت پیگیری و همکاری بعدی به ما بدهند. از بین این ۲۰۰ نفر افرادی که عوامل خطر (بیش از ۶ عامل خطر) و رضایت زناشویی بالا (نمره ۳۳۰ یا بالاتر در پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ) داشتند، انتخاب شدند. افرادی که بر اساس این شرایط انتخاب شدند ۲۲ نفر (۱۱ مرد، ۱۱ زن) بودند که ضمن مصاحبه با ۱۸ نفر از آن‌ها (۹ مرد، ۹ زن) داده‌ها به اشباع رسید. جدول ۱ مشخصات جمعیت شناختی آن‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱: مشخصات جمعیت شناختی زنان و مردان مورد مطالعه

ویژگی	جنسیت	میانگین	انحراف معیار
مدت زندگی مشترک	زن	۱۷	۹
	مرد	۱۸	۱/۰۱
سن	زن	۴۰	۸
	مرد	۴۴	۱/۱۱
سن همسر	زن	۴۵	۸/۲۳
	مرد	۴۱	۹/۹۵

ابزار پژوهش

به منظور انجام پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده شده است.

چک‌لیست عوامل خطر: این چک‌لیست توسط پژوهش‌گر ساخته شد. برای ساخت چک‌لیست ابتدا با مراجعه به متون و پژوهش‌های انجام شده، ۳۵ عامل که احتمال خطر در زندگی مشترک را بالا می‌برد، مشخص شد. سپس با اعمال نظر و مشورت با اساتید در زمینه قابل فهم بودن عامل‌ها این چک‌لیست ساخته شد. به منظور تعیین مناسب بودن محتوای چک‌لیست، فرم اولیه در بین ۲۰ نفر (که با مراجعه به مجتمع‌های مسکونی، اداری، آرایشگاه‌ها، مراکز خرید، مراکز تفریحی و پارک‌ها،

اماکن ورزشی و غیره انتخاب شدند)، توزیع شد. با کمک خود آن افراد ایرادات وارده به چک‌لیست مرور شد تا مشکلات احتمالی روشن شود. مجدداً با همکاری اساتید عواملی از نظر افراد غیر قابل فهم و یا فهم آن‌ها دشوار بود، اصلاح گردید و مجدداً با نظرخواهی و همکاری اساتید تغییراتی در چک‌لیست داده شد. این چک‌لیست عواملی که زندگی مشترک را تهدید می‌کنند و احتمالاً منجر به کاهش رضایت زناشویی می‌شوند را بررسی می‌کند. عوامل خطری که در چک‌لیست عوامل خطر به عنوان عوامل تهدیدکننده زندگی مطرح شده‌اند عبارتند از: تفاوت در قومیت زوج‌ها، تفاوت سنی زیاد، ازدواج در سن پایین، طول مدت ازدواج، طلاق والدین زوج‌ها، شغل، تعداد فرزندان، بیکاری، وضعیت اقتصادی پایین، وابستگی اقتصادی شما به خانواده اصلی خود، وابستگی اقتصادی همسران به خانواده اصلی خود، تفاوت مذهبی - عقیدتی، تفاوت سطح تحصیلات، عدم رضایت از نقش خود در محیط خانه، تقسیم ناعادلانه کار در محیط خانه، عدم مشارکت در تصمیم‌گیری، وابستگی عاطفی همسران به خانواده اصلی خود، وابستگی عاطفی شما به خانواده اصلی خود، عدم رضایت از وضعیت ظاهری خود، عدم رضایت از وضعیت ظاهری همسر، عدم مسئولیت‌پذیری همسر، عدم حمایت از همدیگر، ارتباط‌های کم با همسر، عدم رضایت از رابطه جنسی، دخالت نزدیکان و خویشاوندان، عدم گذران اوقات فراغت با همدیگر، عدم کنترل احساسات، خشونت کلامی، مشاجره با فرزندان، خشونت فیزیکی، تفاوت فرهنگی، تفاوت در ارزش‌ها، بیماری‌های روانی، بیماری‌های جسمی و بیماری صعب‌العلاج عضوی از خانواده. همچنین در ادامه چک‌لیست سؤال باز مطرح شد تا اگر زوجها علاوه بر عوامل فوق عوامل دیگری در زندگی مشترک‌شان وجود دارد که از نظر خود آن‌ها زندگی‌شان را تهدید می‌کند به آن اشاره کنند.

پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ: پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رابطه زناشویی به کار می‌رود. این پرسش‌نامه یک فرم ۱۱۵ سؤالی و یک فرم ۷۴ سؤالی دارد. در این پژوهش از فرم ۱۱۵ سؤالی استفاده شده است. این پرسش‌نامه برای ارزیابی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا یا شناسایی زمینه‌های قوت و پرباری رابطه زناشویی به کار می‌رود. پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ از ۱۲ خرده‌مقیاس تشکیل شده است. مقیاس اول آن ۵ سؤالی است و سایر مقیاس‌ها هر کدام ۱۰ سؤال دارد. در فرم ۱۱۵ سؤالی اجرا شده در ایران برای هر یک از سؤال‌های این پرسش‌نامه ۵ گزینه منظور شده است. گزینه سؤال‌ها عبارتند از: «کاملاً مخالفم»، «مخالفم»، «نظری ندارم»، «موافقم» و «کاملاً موافقم». نمره‌گذاری سؤال‌ها به صورت ۰، ۱، ۲، ۳، ۴ می‌باشد. لذا حداکثر نمره آزمودنی در این پرسش‌نامه برابر با ۴۶۰ است. نمره بالاتر نشانه رضایت زناشویی بیش‌تر است. ضرایب آلفای پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در گزارش اولسون، فورنیر و دراگمن (۱۹۸۹) برای خرده‌مقیاس‌های تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه

جنسی، فرزندان و فرزندپروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی به ترتیب از این قرار است: ۰/۹۰، ۰/۸۱، ۰/۷۳، ۰/۶۸، ۰/۷۵، ۰/۷۴، ۰/۷۶، ۰/۴۸، ۰/۷۷، ۰/۷۲، ۰/۷۱ (به نقل از ثنائی، ۱۳۸۷). در پژوهش مهدویان ضریب پایایی پرسش‌نامه انریچ به روش بازآزمایی (به فاصله یک هفته) برای گروه مردان ۰/۹۳ و برای گروه زنان ۰/۹۴ گزارش شده است و هم‌چنین ضریب همبستگی در این پرسش‌نامه با مقیاس رضایت خانوادگی ۰/۴۱ بوده است که نشان می‌دهد این پرسش‌نامه از روایی ملاک خوبی برخوردار است (ثنائی، ۱۳۷۹؛ به نقل از حیدری و حسین‌پور، ۱۳۸۵). هم‌چنین صالحی (۱۳۸۹) ضریب آلفای کرونباخ را برای پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ ۰/۹۰ گزارش کرده است. ضریب آلفای کرونباخ برای پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ در پژوهش حاضر ۰/۷۸ بوده است.

مصاحبه عمقی: در پژوهش حاضر جهت شناسایی عوامل نگهدارنده ازدواج از مصاحبه عمیق استفاده شد. بدین منظور، محقق پیش از مصاحبه، خود را معرفی کرد و موارد اخلاقی از جمله محرمانه بودن هویت و اطلاعات ارائه شده توسط شرکت‌کنندگان را مطرح نمود و هدف پژوهش را بیان کرد. هم‌چنین به منظور ایجاد یک فضای صمیمی، راحت و قابل اعتماد برای مصاحبه‌شونده ابتدا توضیحاتی در مورد سؤالات به افراد ارائه داد و از آن‌ها برای ضبط مصاحبه اجازه گرفت. مصاحبه با سؤالات کلی آغاز شد و با سؤالات اختصاصی‌تر ادامه پیدا کرد. ابتدا سؤالات باز مطرح شد و در صورت نیاز از سؤالات بسته استفاده شد. در ادامه چنان‌چه نیاز بود، سؤالات دیگری وجود داشت که به روشن‌تر شدن موضوع کمک می‌کرد. علاوه بر این در مواردی که محقق احساس می‌کرد که به طور دقیق متوجه منظور پاسخ‌گو نشده است، با استفاده از سؤالات مناسب سعی می‌کرد به جزئیات بیش‌تری از مساله دست یابد. سؤالات مورد استفاده در مصاحبه عبارتند از:

- چه عواملی در زندگی مشترک شما وجود دارد که احساس می‌کنید منجر به بهتر شدن و دوام زندگی‌تان شده است؟ یا به عبارت دیگر وجود آن عوامل زندگی مشترک شما را خوشایندتر کرده و در صورت نبود آن‌ها احساس می‌کردید زندگی شما شاید خوب و خوشایند نمی‌بود؟
 - شما به تعدادی عوامل اشاره کرده‌اید و معتقدید این عوامل زندگی شما را تهدید می‌کند، شما با این عوامل چگونه برخورد می‌کنید که تأثیر زیادی بر زندگی شما به جای نمی‌گذارند؟
 - زمانی که مشکلی در زندگی شما پیش می‌آید چگونه با آن مسئله برخورد می‌کنید؟
 - چه عواملی در زندگی شما وجود دارند که به نظر خودتان زندگی را برای شما بهتر و تحمل مشکلات را برای شما آسان‌تر کرده است؟
 - علاوه بر عواملی که مطرح کردید عوامل دیگری هست که بخواهید در مورد آن صحبت کنید؟
- هر مصاحبه حدود ۳۰ تا ۴۵ دقیقه طول می‌کشد. در زمان مصاحبه اطلاعات ضبط و در صورت نیاز نسخه‌برداری هم انجام می‌شد. پس از انجام هر مصاحبه نیز متن مصاحبه پیاده می‌شد.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل محتوا استفاده شده و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری باز انجام شده است. بعد از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها، داده‌ها به صورت سطر به سطر و یا پاراگرافی کدبندی شد. در مرحله بعد این مفاهیم در کنار یکدیگر گذاشته شدند و بر اساس اشتراکات به صورت یک مقوله محوری درآمد. در کدگذاری باز با تجزیه و تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها، مفاهیم اولیه استخراج شده و با مقایسه و دسته‌بندی مفاهیم مقولات حاصل شده است. هم‌چنین در روند این پژوهش از آمار توصیفی مانند میانگین و انحراف هم استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش ۷ مقوله عمده مشخص شد. این مقوله‌ها و مفاهیم اولیه مربوط به آن‌ها در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲: مقولات عمده و مفاهیم اولیه استخراج شده از داده‌های کیفی

مقولات عمده	مفاهیم اولیه
ارتباط	صحبت کردن، احترام، شوخی و شاد کردن فضای خانه، صرف اوقات با هم، رعایت جایگاه زن و مرد، قدردانی از هم، حمایت از هم در برابر دیگران، همدلی و درک کردن، رابطه جنسی مطلوب، عشق، تماس جسمانی، حساب باز کردن روی همسر، غر زدن، عدم تحقیر، عذرخواهی، حفظ مرز زن و شوهری، ابراز نگرانی در مورد سلامت هم
ویژگی‌های شخصیتی	صبر، بخشش، امیدواری، پذیرش، تعهد و وفاداری، عدم چشم و هم‌چشمی با فامیل، عدم غرور و خودبرتربینی، پذیرش اشتباهات خود، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل، نادیده گرفتن ضعف‌های هم، دیدن نقاط قوت و مثبت هم، شناخت نقطه ضعف‌های خود، صداقت، گذشت، اعتماد به هم، بدبین نبودن به هم، صمیمیت
مهارت‌ها	مهارت حل مسئله، مشورت با هم در کارها، برخورد مناسب با تعارضات، همکاری با هم در کارهای خانه، ابراز خواسته‌ها، آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد
سازگاری	فرصت دادن به هم، سازگاری و کنار آمدن با تغییرات، نظرخواهی از هم، توجه به نیازهای طرف مقابل، انعطاف-پذیری، توانایی تغییر کردن، قناعت، تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان
عوامل بیرونی	شغل، وضعیت مالی، وجود بچه‌ها، حمایت دیگران، مدیریت اقتصادی، عدم دخالت خانواده‌ها
مذهب و باورهای معنوی	توکل به خدا، اعتقاد به خدا و ادای فرائض و مناسک مذهبی
باورها	آگاهی و باورها در مورد زندگی، نگرش مثبت به زندگی، انتظارات واقع‌بینانه در مورد زندگی

عوامل حفاظت‌کننده بر اساس فراوانی انتخاب به ترتیب عبارتند از: ارتباط ($F=172$)، ویژگی‌های شخصیتی ($F=140$)، مهارت‌ها ($F=70$)، سازگاری ($F=62$)، عوامل بیرونی ($F=58$)، مذهب ($F=26$) و باورها ($F=21$). در پژوهش حاضر به مؤلفه‌های اولیه بر اساس فراوانی وزن داده شد.

از بین مؤلفه‌های اولیه، مشورت، برخورد مناسب با تعارضات و وجود فرزندان (۰/۸۳)، صحبت کردن، احترام، عشق، صبر و امیدواری (۰/۷۷)، شوخی، حمایت از هم، بخشش و حمایت اطرافیان (۰/۷۲)، رابطه جنسی مطلوب، تماس جسمانی، قدردانی، صداقت، مهارت حل مسئله، مدیریت اقتصادی (۰/۶۶)، همکاری با هم در کارهای خانه، ابراز خواسته‌ها، انعطاف‌پذیری و توجه به نیازهای هم (۰/۶۱)، پذیرش وضعیت موجود و توکل به خدا (۰/۵۵)، تعهد، قناعت، انتظارات واقع‌بینانه و اعتقاد به خدا (۰/۵۰) و نگرش مثبت به زندگی (۰/۴۴) بیش‌ترین درصد را به خود اختصاص دادند. بر اساس فراوانی انتخاب زنان مؤلفه‌های همدلی و درک کردن، حمایت از هم، عشق، امیدواری و وجود فرزندان را بیش‌تر از مردان و در مقابل مردان تماس جسمانی و رابطه جنسی مطلوب، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکلات، همکاری با هم در کارهای خانه، تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان و ادای فرائض و مناسک مذهبی را بیش‌تر از زنان به عنوان عامل حفاظت‌کننده انتخاب کردند.

بحث

در پژوهش حاضر با توجه به هدف پژوهش سعی بر آن بود آن دسته از عواملی که منجر به پایداری رابطه زناشویی و استحکام خانواده می‌شود مشخص شوند. نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد عواملی مانند صحبت کردن، احترام، شوخی، صرف اوقات با هم، قدردانی، حساب باز کردن روی همسر و حمایت از هم، همدلی، رابطه جنسی مطلوب، عشق، تماس جسمانی، غر زدن، عدم تحقیر، عذرخواهی، صبر، بخشش، امیدواری، پذیرش، تعهد، صداقت، گذشت، اعتماد، صمیمیت، مهارت حل مسئله، مشورت، برخورد مناسب با تعارضات، انعطاف‌پذیری، شغل، وضعیت مالی، بچه‌ها، مدیریت اقتصادی، عدم دخالت خانواده‌ها، توکل و اعتقاد به خدا، ادای فرائض و مناسک مذهبی، آگاهی و باورها در مورد زندگی، نگرش مثبت به زندگی و انتظارات واقع‌بینانه منجر به افزایش رضایت زناشویی و پایداری زندگی مشترک می‌شوند. پژوهش‌های پیشین این یافته‌ها را تأیید می‌کند. بر اساس پژوهش‌های پیشین نیز عواملی مانند عشق (پارکر، ۲۰۰۲)، صحبت کردن (سوده، خلیلی، دانش‌پور و لواسانی، ۲۰۱۰)، احترام (مادسن و ابل، ۲۰۱۰)، حمایت از همدیگر (هافتر، کیکات - کلسر، لاوینگ، گلسر و ملارکی، ۲۰۰۳)، شوخی و شاد کردن فضای خانه (مارتین، پالک - دارس، لارسن، گری و ویر، ۲۰۰۳)، رابطه جنسی مطلوب (راس، ۲۰۰۹؛ پارکر، ۲۰۰۲)، همدلی (راس، ۲۰۰۹)، تماس جسمانی (راس، ۲۰۰۹)، قدردانی (راس، ۲۰۰۹؛ جان و سلویا، ۲۰۰۷)، عذرخواهی (رزنبرگ، ۲۰۱۱)، عدم غر زدن و تحقیر (گاتمن، ۱۹۹۴)، داشتن اوقات فراغت با هم (راس، ۲۰۰۹)، بخشش (باکوس، ۲۰۰۹؛ مک نولتی، ۲۰۰۸)، صداقت (سوده و همکاران، ۲۰۱۰؛ پاتریک، سلز، گیوردانو و فولرد، ۲۰۰۷)، تعهد (پارکر، ۲۰۰۲؛ کال و هتون، ۱۹۹۷)، برخورد مناسب با تعارضات و مشورت با هم (جین، ۱۹۹۹)، مهارت حل مسئله (هپنر و همکاران، ۲۰۰۴)، انعطاف‌پذیری (راس،

۲۰۰۹؛ کیم کوهن، ۲۰۰۷)، وجود فرزندان (آلفورد - کوپر، ۱۹۹۸؛ به نقل از پارکر، ۲۰۰۲)، حمایت اطرافیان و عدم دخالت‌های بی‌مورد دیگران (صادقی، ۱۳۸۹؛ راس، ۲۰۰۹)، همکاری با هم در کارهای خانه (کالن و کلترن^۳، ۱۹۹۱؛ به نقل از رزن‌گراندن و همکاران، ۲۰۰۴)، آشنایی با تفاوت‌های زن و مرد (گری، ۱۳۸۶)، مدیریت اقتصادی (رابینسون و بلانتن، ۱۹۹۳)، امیدواری (عسگری و شرفالدین، ۱۳۸۹)، وضعیت اقتصادی و شغل (راجرز و می، ۲۰۰۳؛ ولکت و هیوز، ۱۹۹۹)، مذهب و باورهای معنوی (مادسن و ابل، ۲۰۱۰)، انتظارات واقع‌بینانه در مورد زندگی (احتشام‌زاده، مکوندی و باقری، ۱۳۸۸)، نگرش مثبت نسبت به زندگی (مادسن و همکاران، ۲۰۱۰) و میزان آگاهی زوجها در مورد زندگی (بورپی و لانگر، ۲۰۰۵) عواملی هستند که منجر به استحکام بیش‌تر زندگی مشترک زوجها می‌شوند. علاوه بر این عوامل دیگری نیز وجود دارند که به نظر می‌رسد خاص فرهنگ ایرانی باشد. در زیر به توضیح این عوامل خواهیم پرداخت.

رعایت جایگاه زن و مرد

از نظر شرکت‌کنندگان رعایت جایگاه زن و مرد در زندگی عامل مهمی در نگهداری زندگی است. آن‌ها معتقد بودند در بین اعضای خانواده‌شان سلسله‌مراتب قدرت رعایت می‌شود، به طوری که حریم‌ها در بین اعضای خانواده شکسته نمی‌شوند. آن‌ها ابراز کردند پدر و مادر به ترتیب نسبت به فرزندان جایگاه بالاتری دارند. حتی قدرت شوهر در محیط خانواده کمی بالاتر از زن است و این در حالی است که برای نظرات هم ارزش قائل هستند و اظهار نظر می‌کردند. خانم «ل» ۳۹ ساله می‌گوید: «به نظر من همیشه باید زن و مرد در جای خود فعالیت داشته باشند... از نظر من پدر، مادر و فرزندان باید در جایگاه خود عمل کنند ولی اجازه نمی‌دهیم بچه‌ها تعیین تکلیف کنند برای ما...»

اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل

در پژوهش حاضر افراد معتقد بودند چنان‌چه زن و شوهر به توانایی‌های خودشان جهت حل مشکلات اعتقاد داشته باشند بهتر می‌توانند با مسائل کنار بیایند و راهکارهای متعددی را جهت حل مشکلات به کار خواهند بست. آقای «ن» ۴۳ ساله: «من همیشه برای مشکلات دنبال راهکار می‌گردم و احساس نمی‌کنم که برای یک مشکل نشود راهکار پیدا کرد و این باعث شده من مدام به دنبال راه‌های خوب باشم که مشکلات‌مان را حل کنم.»

ابراز نگرانی در مورد سلامت هم

تعدادی از افراد در این پژوهش بیان کردند زمانی که همسرشان در مورد سلامتی آن‌ها ابراز نگرانی می‌کند این حس در آن‌ها ایجاد می‌شود که قابل احترام هستند و همسرشان آن‌ها را دوست دارد. همین دوست داشتن منجر به همدلی بیش‌تر در بین زوجها می‌شود. این حس حمایت منجر به ایجاد نگرش مثبت درباره همسر و زندگی می‌شد. هافنر و همکاران (۲۰۰۳) معتقدند حمایت زوجها از همدیگر با میزان رضایت از رابطه زناشویی رابطه دارد. پس می‌توان گفت زمانی که زوجها در مورد

سلامتی همسران‌شان ابراز نگرانی می‌کنند نشان می‌دهند که همدیگر را دوست دارند و از هم حمایت می‌کنند. این عوامل منجر به افزایش رضایت زناشویی و بهبود رابطه زوجها می‌شود.

پذیرش ویژگی‌های همسر و وضعیت موجود زندگی

نتایج این پژوهش نشان داد افراد متأهل معتقدند پذیرش وضعیت موجود و ویژگی‌های همسرشان عامل محافظت‌کننده از زندگی است. خانم «ق» ۴۴ ساله: «مشکلات برای همه هست، درست است ممکن است از جنبه‌هایی ناراضی باشم. ولی هر کس نقطه ضعف‌هایی دارد و من این را پذیرفته‌ام و همسرم را با ویژگی‌هایش قبول دارم...». افراد اظهار کردند زمانی که زوجها بتوانند با شرایطی که در آن هستند کنار بیایند و همسرشان را با بعضی از ویژگی‌ها که مختص شخصیت آن- هاست بپذیرند تنش زیادی در رابطه زناشویی ایجاد نخواهد شد و با کاهش تنش رضایت زناشویی هم بالا می‌رود.

قناعت

در این پژوهش شرکت‌کنندگان به عامل قناعت به عنوان عامل نگهدارنده اشاره کردند. آن‌ها به خاطر حفظ زندگی‌شان از بسیاری از خواسته‌های خود می‌گذشتند. خانم «ی» ۴۰ ساله: «من قانع هستم، از نظر مالی کمبودهایی دارم ولی هیچ وقت به رخ نمی‌کشم... خودم فکر می‌کنم یک رمز موفقیت این است که زن و مرد قانع باشند...». به نظر می‌رسد در فرهنگ ایرانی این عامل دارای اهمیت است. شرکت‌کنندگان در پژوهش بیان کردند اگر افراد قناعت داشته باشند و سعی کنند بین انتظارات‌شان در زندگی و واقعیت تناسب برقرار کنند، قطعاً زندگی بهتری خواهند داشت. عدم مقایسه خود با دیگران بسیاری از تنش‌ها را کاهش می‌دهد.

عدم چشم و هم‌چشمی

افراد ابراز کردند یکی از عواملی که منجر به دوام زندگی آن‌ها شده است عدم چشم و هم‌چشمی با فامیل است. از نظر آن‌ها زمانی که افراد مدام درصدد مقایسه کردن زندگی خود با دیگران هستند تنش در زندگی افزایش پیدا می‌کند. اما زمانی که چشم و هم‌چشمی وجود نداشته باشد افراد به اندازه توانایی‌های‌شان از زندگی توقع دارند و انتظارات آن‌ها منطبق با واقعیت است. خانم «ف» ۳۸ ساله می‌گوید: «همیشه در این مدتی که زندگی کردم، سعی کرده‌ام در زندگی‌ام هیچ وقت حرف این نباشد که مقایسه کنیم که دیگران از لحاظ مادی یا جنبه‌های دیگر در زندگی‌شان چه چیزهایی دارند که ما نداریم».

عدم غرور و خود برتر بینی

یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که به آن اشاره شده است عدم غرور و خود برتر بینی است. مصاحبه- شونده‌ها معتقد بودند چنانچه زن و شوهر نسبت به هم غرور نداشته باشند و احساسات واقعی خودشان را به هم نشان بدهند میزان صمیمیت آن‌ها افزایش پیدا می‌کند. آقای «ش» ۴۵ ساله

می‌گوید: «هیچ کدام از ما نسبت به هم مغرور نیستیم، و من همیشه گفته‌ام که باید نسبت به زنت شوهر باشی نه دکتر، مهندس یا رئیس، او کارمند یا برده من نیست و همیشه هم به این امر افتخار می‌کنم...».

تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان

افراد بیان کردند در بعضی از موقعیت‌ها با تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان توانسته‌اند زندگی خود را بهبود بخشند. آن‌ها معتقد بودند بعضی از اطرافیان‌شان از تعاملات مثبت و راهکارهای سازنده در زندگی استفاده می‌کنند. بنابراین این عامل منجر به ایده گرفتن جهت بهتر شدن زندگی آن‌ها شده است. آقای «ع» ۴۲ ساله می‌گوید: «من خیلی مواقع به زندگی همسایه‌مان نگاه می‌کردم که چقدر رابطه خوبی داشتند و من هم از راهکارهای مفید آن‌ها استفاده می‌کنم...». چنین به نظر می‌رسد که عامل تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان خاص فرهنگ ایران باشد.

از طرف دیگر شاید بتوان گفت چون در فرهنگ ایرانی رفت و آمدهای خانوادگی بیش‌تر است به همین دلیل افراد در بعضی از موقعیت‌ها زندگی اطرافیان‌شان را الگو قرار می‌دهند و از راهکارهای سازنده آن‌ها استفاده می‌کنند. در رابطه با ۷ عامل عمده و مؤلفه‌های آن‌ها که به عنوان عوامل نگهدارنده زندگی مطرح شدند، می‌توان گفت که بین این عوامل ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. این عوامل بر هم تأثیر می‌گذارند و منجر به افزایش رضایت زناشویی و به دنبال آن کاهش تأثیرگذاری عوامل خطر می‌شوند.

با کاهش تأثیر عوامل خطر زمینه برای استحکام هرچه بیش‌تر کانون خانواده فراهم می‌شود. حال سؤال دوم که در این پژوهش مطرح می‌شود این است که «آیا در بین زنان و مردان در انتخاب این عوامل نگهدارنده تفاوت معناداری وجود دارد؟»

در پاسخ به این سؤال زنان و مردان در ۷ عامل عمده نگهدارنده‌ای که در جواب سؤال اول مطرح شد با هم مقایسه شدند. برای مقایسه از آزمون «خی دو» استفاده شد. نتایج نشان داد که بین زنان و مردان متأهل در انتخاب این ۷ عامل عمده به عنوان فاکتورهای محافظت‌کننده زندگی‌شان تفاوت معناداری وجود ندارد. احتمالاً یکی از دلایل برای عدم معناداری، پایین بودن تعداد افراد نمونه است. دوم این‌که شاید بتوان گفت امروزه دیدگاه‌ها و نگرش زنان و مردان به هم بیش‌تر شبیه و متعادل‌تر شده و بالا رفتن میزان آگاهی زن و مرد در مورد زندگی مشترک منجر به به‌کار بردن و استفاده از راهکارهای متنوعی جهت بهبود زندگی‌شان شده است. اما زمانی که افراد متأهل در مؤلفه‌های اولیه عوامل عمده نگهدارنده با هم مقایسه شدند، بین زنان و مردان در تعدادی از مؤلفه‌های اولیه تفاوت معنادار بود. نتایج آزمون «خی دو» در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون «خی دو» جهت مقایسه زنان و مردان در مفاهیم اولیه عوامل حفاظت‌کننده

مؤلفه‌های اولیه	P	χ ^۲
همدلی و درک کردن	۰/۰۴	۴
امیدواری	۰/۰۲۳	۵/۱۴
تماس جسمانی	۰/۰۴	۴
اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل	۰/۰۴	۴
همکاری با هم در کارهای خانه	۰/۰۱۶	۵/۸۴

با توجه به نتایج آزمون «خی دو» در مؤلفه‌های همدلی و درک کردن، امیدواری، تماس جسمانی، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل و همکاری با هم در کارهای خانه تفاوت معناداری مشاهده شد. شرط معناداری در آزمون خی دو این است که $p < 0/05$ باشد. «خی دو» در سطح معناداری ۰/۰۵ معادل با ۳/۸۴ می‌باشد. بنابراین شرط معناداری و رد فرض صفر این است که «خی دو» در هر یک از عوامل از ۳/۸۴ بزرگ‌تر باشد، که در جدول فوق χ^2 برای هر یک از مؤلفه‌هایی که در بین زنان و مردان تفاوت داشتند، آورده شده است و بیانگر این تفاوت می‌باشد. زنان بیش‌تر از مردان معتقد بودند امیدواری و همدلی و درک کردن از عوامل محافظت‌کننده از ازدواج و زندگی مشترک هستند، در مقابل مردان بیش‌تر از زنان تماس جسمانی، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل و همکاری با هم در کارهای خانه را عوامل نگهدارنده زندگی می‌دانند. از سوی دیگر با توجه به فراوانی انتخاب هم مقایسه جنسیتی صورت گرفته است که بر اساس فراوانی انتخاب زنان مؤلفه‌های همدلی و درک کردن، حمایت از هم، عشق، امیدواری و وجود فرزندان را بیش‌تر از مردان و در مقابل مردان تماس جسمانی و رابطه جنسی مطلوب، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکلات، همکاری با هم در کارهای خانه، تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان و ادای فرائض و مناسک مذهبی را بیش‌تر از زنان به عنوان عامل حفاظت‌کننده انتخاب کردند.

اغلب اوقات فرهنگ‌ها، موفقیت، پیشرفت (مویج و هافستد، ۲۰۰۲؛ وتیل، ناچکو و بارنس، ۱۹۹۳)، جرات‌مندی (وتیل و همکاران، ۱۹۹۳) و تمایل به حل مشکلات (گری، ۱۳۸۷) را به عنوان صفات مردانه و اهداف و ارتباطات بین‌فردی مانند فضای دوستانه (وتیل و همکاران، ۱۹۹۳)، توجه به نیازهای دیگران و همدلی (مویج و همکاران، ۲۰۰۲؛ گری، ۱۳۸۷) را به عنوان صفات زنانه مطرح کرده‌اند. بنابراین ارزش‌های غالب در فرهنگ‌های مردانه موفقیت و پیشرفت است. در حالی که در فرهنگ‌های زنانه توجه به دیگران و کیفیت زندگی اهمیت بیش‌تری دارند (مویج و همکاران، ۲۰۰۲). پس شاید بتوان گفت چون زنان رابطه‌مدار هستند و به ارتباطات بین‌فردی توجه بیش‌تری نشان می‌دهند به همین دلیل عامل همدلی و عشق برای زنان اهمیت بیش‌تری دارد. هم‌چنین زنان به علت این‌که در زندگی منابع حمایتی بیش‌تری را برای خود در نظر می‌گیرند و با دیگران ارتباطات

بیش‌تری دارند پس به عامل حمایت از هم و امیدواری بیش‌تر اشاره کرده‌اند. آن‌ها معتقدند عامل امیدواری در نگهداری زندگی اهمیت زیادی دارد چون با وجود اطرافیان و سایر منابع حمایتی می‌توانند مشکلات زندگی را حل کنند و در این زمینه نگرانی خاصی وجود ندارد. از طرف دیگر وجود فرزندان را به عنوان یک منبع امید برای آینده زندگی‌شان عنوان کردند. در مقابل چون مردان موفقیت‌مدار و عمل‌گرا هستند بیش‌تر معتقدند مؤلفه‌های اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل، همکاری با هم در کارهای خانه، تماس جسمانی، رابطه جنسی مطلوب و انجام فرائض مذهبی عوامل حفاظت‌کننده زندگی مشترک هستند و این نشان‌دهنده عمل‌گرا بودن و اهمیت دادن مردان به خود فعالیت و موفقیت در آن زمینه است.

با توجه به نتایج این پژوهش به نظر می‌رسد بعضی از مؤلفه‌های اولیه که به عنوان عوامل حفاظت‌کننده زندگی مشترک انتخاب شدند، به فرهنگ ایرانی اختصاص دارد. اگر چه بررسی این مطلب نیازمند تحقیقات بیش‌تر و تخصصی‌تر در این زمینه می‌باشد ولی با توجه به مصاحبه‌های انجام شده به نظر می‌رسد در فرهنگ ایرانی عواملی مانند ابراز نگرانی در مورد سلامتی هم، پذیرش ویژگی‌های همسر و وضعیت موجود زندگی، عدم چشم و هم‌چشمی با فامیل، عدم غرور و خودبرتربینی، اعتماد به توانایی خود برای حل مشکل، قناعت و تجربه گرفتن از زندگی اطرافیان عوامل نگهدارنده زندگی مشترک هستند. قطعاً هر پژوهشی در جریان انجام با محدودیت‌هایی روبه‌رو خواهد شد. پژوهش حاضر هم از این امر مستثنی نبوده است. با توجه به این‌که میانگین سنی افراد در این پژوهش حدود ۴۲ سال، میانگین طول زندگی مشترک حدود ۱۷ سال و میزان تحصیلات افراد از زیر دیپلم تا فوق لیسانس می‌باشد، نمی‌توان نتایج این پژوهش را به کل جامعه تعمیم داد. از طرف دیگر به دلیل شخصی بودن تحلیل قابلیت تعمیم کاهش می‌یابد.

پی‌نوشت‌ها

1. Protective factors
2. Risk factors
3. Collins and Coltrane

منابع

- احتشام‌زاده، پ؛ مکوندی، ب؛ باقری، ا. (۱۳۸۸). رابطه بخشودگی، کمال‌گرایی و صمیمیت با رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آن‌ها. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال دوازدهم، شماره ۴، ۱۳۶-۱۲۳.
- احمدی، خ؛ مرزآبادی، ا؛ ملازمانی، ع. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت ازدواج و سازگاری زناشویی در بین کارکنان سپاه. *طب نظامی*، سال دوم، شماره ۷، ۱۵۲-۱۴۱.

- جدیری، ج.؛ جان‌بزرگی، م.؛ رسول‌زاده طباطبایی، س.ک. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضامندی زناشویی (براساس معیارهای دینی) با عوامل جمعیت‌شناختی، تحصیلات، طول مدت ازدواج، سن ازدواج و تفاوت سنی. *روان‌شناسی دین*، سال دوم، شماره ۵، ۴۹-۸۴.
- حیدری، م.؛ حسین‌پور، س. (۱۳۸۵). تأثیر نوبت کاری بر رضامندی زناشویی پرستاران. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۸، ۳۴۲-۳۵۳.
- صادقی، م. (۱۳۸۹). *الگوی تعاملی زناشویی در فرهنگ ایرانی و اثرمندی آموزش مهارت‌های ارتباطی مبتنی بر فرهنگ بر افزایش سازگاری زوجین ناسازگار*. پایان‌نامه درجه دکتری، روان‌شناسی عمومی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- صالحی، ش. (۱۳۸۹). *بررسی رضایت زناشویی در زوج‌های بارور و نابارور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- عسگری، پ.؛ شرف‌الدین، ه. (۱۳۸۹). رابطه اضطراب اجتماعی، امیدواری و حمایت اجتماعی با احساس بهزیستی در دانشجویان. *یافته‌های نو در روان‌شناسی*، سال سوم، شماره ۹، ۲۵-۳۶.
- گری، ج. (۱۳۸۷). *راز ناسازگاری‌های مردان مریخی و زنان ونوسی*. ترجمه فرهاد صادقی، تهران: نشر قطره.

- Backus, L. N. (2009). Establishing links between desecration, forgiveness and marital quality during pregnancy. Master of Arts Dissertation, Graduate college of Bowling Green State university.
- Burpee, L. C., Langer, E. J. (2005). Mindfulness and Marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12 (1), 43- 51.
- Call, V. R., & Heaton, T. B. (1997). Religious Influence on Marital Stability. *Journal for the scientific study of Religion*, 36(3), 382-392.
- Dixon. (1995). *The Rising Price of Love*. Publisher by Hodder & Stoughton, P 248.
- Ellis, A. (1980). *Rational- Emotive couples therapy*. New York. Pergamum press.
- Feeney, J. (2004). Hurt feeling in couple relationships: Towards integrative model of the negative effects of hurtful events. *Journal of social and personal relationships*, 21(4), 487-508.
- Gottman, J.M. (1994). *What Predicts Divorce? The Relationship Between Marital process and Marital Outcoms*. Lawrence Erlbaum Associates Publishers, Hillsdale, New Jersey, 1- 521.
- Haffner, K. L., Kiecolt- Glaser, J. K., Loving, T. J., Glaser, R., and Malarkey, W. B. (2003). Spousal support satisfaction as a modifier of psychological responses to marital conflict in younger and older couples. *Journal of Behavioral Medicine*, 3(27), 233- 254.
- Halford, W. K. (2004). Marriage: Psychological and Empermental Analyses. *International Encyclopedia of the social & Behavioral Sciences*, 9265-9270.
- Jane, R. (1999). Dr. Jane's notebook: Improving your marital satisfaction available on <http://www.dr.Jane.com/>
- John, D., and Sylvia, M. A. (2007). Strong Families Around the world: An Introduction to the Family strength perspective. *Marriage and Family review*, 41(1), 1-10.
- Kim-Cohen, J. (2007). Resilience and development psychopathology. *Child and adolescent psychiatric clinics of North America*, 16 (2), 271-283 .

- Mackey, R.(2003). Family resilience and good child out comes: An overview of the research literature. *Social Policy Journal of New Zealand*, 20, 98-118.
- Madsen, M.D., & Abell, N. (2010). Trauma Resilience Scale: Validation of protective Factors Associated With Adaptation Following. *Research on social work practice*, 20(2), 223-233.
- Martin, R. A., Puhlik- Doris, P., Larsen, G., Gray, J., & Weir, K. (2003). Individual differences in uses of humor and their relation to psychological well- being: Development of the humor styles quationnaire. *Journal of researchIn personality*, 37, 48-72.
- MC Nulty, J. K. (2008). Forgiveness in marriage: Putting the benefits into context. *Journal of family psychology*, 22(1), 171-175.
- Mooij, M. D., & Hofstede, G. (2002). Convergence and divergence in consumer Behavior: implications for international retailing. *Journal of Retailing*, 78, 61- 69.
- Parker, R. (2002). Why marriage last: Adiscussion of literature. *Australian Institute Family Studies*, 28, 1- 26.
- Patrick, S., Selles, J. N., Giordano, F. G., & Follerud., T.R. (2007). Intimac, differentiation, and personality variables as predictors of marital satisfaction. *The Family Journal*, 15, 359-367.
- Renick, M. J., Blumberg, S. L., Markman, H. J. (1992). The prevention and relationship Enhancment Program (PREP): An Empirically Based Preventive intervention program for couples. *Family Relationship*, 41(2), 141- 147.
- Robinson, L. C., & Blanton, P. w. (1993). Marital strengyhs in enduring marriage. *Family Relations*, 42(1), 38- 45.
- Rogers, S. J., May, D.C. (2003). "Spillover between marital quality and job satisfaction: Long-term patterns and gender differences. *Journal of marriage and family*, 65(3), 482-483.
- Rosenberg, S. (2011). The power of an apology. Available on Personal. development @ suite101.com, <http://shila-rosenberg.Suite101.com>.
- Rosen- Grandon, J. R., Myers, J. E.,& Hattie, J.A.(2004). The Relationship between Marital Characteristics, Marital Interaction Processes, and Marital satisfaction. *Journal of counseling and Development*, 82(1), 58- 68.
- Ross, E. C. (2009). Marital satisfaction, Dissatisfaction, Conflict and Qualities of Successful Marriage. *Psychology of the family*, 2-15.
- Soodeh, M. H., Khalili, Sh., Daneshpour, M., Lavasani, M. Gh. (2010). Factors of successful marriage: A ccunts from self described happy couples. *Procedia social and behavioral sciences*, 5, 2042-2046.
- Vitell, S. J., Nwachukwu, S. L., & Barnes, J. H. (1993). The Effect of culture on Ethical Decision- Making: An Application of Hofsted's Typology. *Journal of Business Ethics*, 12, 753-760.
- Wiegel, DJ., Ballard, R., & Deborah, S. (1999). How coupels maintain marriages. *Journal of family Relations*. 48(3), 263-270.
- Wolcott, I., & Hughes, J. (1999). Towards understanding the reasons for divorce. working paper, *Australian Institute of family studies*, No 20, 2-29.